

# بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِنِوَمْتِ لَمَّوَايِيَه

استفاده ابزاری از حقوق بشر

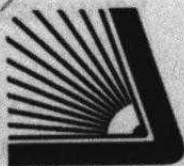
در جهان امروز

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

وحید نادری

محمد دهقان

مرتضی رضایی خسروآبادی



انتشارات نظری

سرشناسه	دهقان، محمد، ۱۳۷۶-
عنوان و نام پدیاور	استفاده ابزاری از حقوق بشر در جهان امروز / نویسنده محمد دهقان، وحید نادری، مرتضی رضائی خسروآبادی
مشخصات نشر	تهران: انتشارات نظری، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری	۱۴۴ صفحه
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۲۰۹-۸۰۹-۴
موضوع	حقوق بشر -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
	حقوق بشر
	حقوق بشر -- ایران
رده بندی کنگره	BP۲۳۰/۱
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۸۳۴
شماره کتابشناسی	۷۵۳۸۰۲۰

نام کتاب : استفاده ابزاری از حقوق بشر در جهان امروز

نام نویسنده : محمد دهقان / وحید نادری / مرتضی رضائی خسروآبادی

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۰

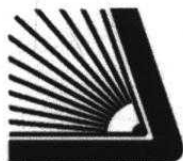
شمارگان : ۳۰۰

« کلیه حقوق مادی ، چاپ و نشر مخصوص و محفوظ ناشر می باشد »

دفتر مرکزی : تهران، خیابان ولی عصر (عج) ، خیابان سید جمال الدین اسدآبادی ( یوسف آباد) ،

نبش خیابان فتحی شقاقی ، جنب بانک سپه پلاک ۳۲ ، طبقه ۲ ، واحد ۱۷

E-mail: [nazaribook@yahoo.com](mailto:nazaribook@yahoo.com)  
[www.nazaribook.ir](http://www.nazaribook.ir)



انتشارات نظری

تلفن : ۸۸۱۰۲۷۷۵  
 همراه : ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

قیمت : ۴۲۵۰۰۰ ریال

## فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
فصل اول: کلیاتی در خصوص حقوق بشر.....	۱۱
فصل دوم: اعلامیه حقوق بشر و دیدگاه اسلام.....	۳۳
فصل سوم: حقوق بشر اسلامی.....	۴۷
فصل چهارم: استفاده ابزاری از حقوق بشر در جهت مقابله با جمهوری اسلامی ایران...۹۱	۹۱
فصل پنجم: مواردی از نقض حقوق بشر در جهان.....	۱۱۱
فهرست منابع.....	۱۲۳
الف: کتب.....	۱۲۳
ب: مقالات.....	۱۲۵
ج: منابع لاتین.....	۱۲۶
د: تارنها.....	۱۲۷

در میان موجوداتی که در جهان طبیعت زندگی می کنند، انسان از ویژگی هایی برخوردار است که مقام او را از دیگر موجودات ممتاز نموده است. ریشه این ویژگی ها و امتیازات این است که او گذشته از حیات طبیعی و غریزی، از حیات روحانی و عقلی نیز برخوردار است. حیات روحانی و عقلانی انسان بعد اصیل و بنیادین شخصیت انسان را تشکیل می دهد. این بعد از حیات و شخصیت انسان در قلمرو قدرت و اختیار او قرار دارد و او می تواند در چگونگی شکل گرفتن و فعلیت یافتن آن تاثیرگذار باشد.

از سوی دیگر، حیات آدمی در عرصه اجتماع، می تواند قوام و دوام داشته باشد. زندگی فردی اگر هم امکان پذیر باشد، اما قطعاً رشد و تکامل انسان در پرتو زندگی اجتماعی امکان پذیر خواهد بود.

زندگی اجتماعی زمینه ساز برخورد منافع و مقاصد مختلف و متعارضی نیز هست، و چه بسا غریزه خودخواهی و منفعت جویی انسان ها، سبب تعدی به حریم و حقوق یکدیگر شود. چنان که شواهد تاریخی این واقعیت تاریخ را تایید می کند. از این رو، حق با مسئولیت و تکلیف ملازمه دارد. مسئولیت و تکلیف ضامن اجرای حقوق بشر خواهد بود. این امر بشر را به وضع قوانینی که بیانگر حقوق و تکالیف افراد جامعه نسبت به یکدیگر باشد، وادار کرده است. بدین جهت پیوسته در جوامع بشری قوانین و مقرراتی (ساده یا پیچیده) وجود داشته است.

این نیاز بشری سبب شده است که خداوند علیم و حکیم به حکم آن که بشر را برای رسیدن به غایت و کمال مطلوبش آفریده است، برای آن که راه درست رسیدن به این مقصود را بداند، و حدود تکالیف و حقوق خود را به خوبی بشناسد، قوانین و مقرراتی را برای او تشریح و توسط پیامبران و رسولان خود به بشر ابلاغ کرده است. البته، قوانین و مقررات الهی در حقوق و تکالیف اجتماعی منحصر نمی گردد، چرا که ایشان گذشته از بعد حیات اجتماعی و ارتباط به هموعان خود، با آفریدگار خویش، و جهانی که در آن زندگی می کند و با وجود خویش نیز ارتباط دارد، و در این حوزه ها نیز مسئولیت هایی را بر دوش دارد که با عملی ساختن آن ها می تواند راه کمال و سعادت را ببیند. بدین

جهت، پیامبران الهی همان گونه که بشر را به قسط و عدل اجتماعی فرا خوانده اند، به پرستش خداوند نیز دعوت کرده اند، و مسئولیت های اخلاقی او را یادآور شده اند. شکی نیست که دیدگاه مکاتب و افراد نسبت به حقوق و مسئولیت های بشر، با توجه به نوع جهان بینی آن ها متفاوت خواهد بود. این مطلب که ایشان از چه حقوقی برخوردار است، و چه مسئولیت هایی بر دوشش دارد بستگی به این دارد که انسان چیست؟ و از چه ابعاد وجودی برخوردار است؟ و برای چه هدف و مقصودی آفریده شده است؟ از این رو، قوانینی که مکاتب مادی یا سکولار در باره حقوق و تکالیف بشر وضع کرده و می کند، با قوانین الهی در این باره متفاوت و احیاناً متعارض خواهد بود.

از آن جا که جهان بینی الهی از منظری بالا و والا به انسان و جهان می نگرد و همه ابعاد و زوایای وجود او را در نظر می گیرد. باید گفت: که قوانین الهی، کامل ترین قوانین است، و در نتیجه مرزهای حقوق و تکالیف بشر را کامل تر از هر مکتب و آیین دیگری بیان نموده است.

«وَمَنْ أَحْسَنَ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ»<sup>۱</sup>

دین اسلام کامل ترین دین و آیین آسمانی است، بدین جهت آخرین دین و شریعت الهی نیز می باشد. چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آخرین پیامبر است و پس از او نه پیامبری برانگیخته خواهد شد و نه شریعتی جدید برای بشر نازل خواهد شد. خداوند قرآن کریم را تصدیق کننده کتاب های آسمانی پیشین و نیز مهیمن بر آن ها می داند، چنان که می فرماید:

«وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ»<sup>۲</sup>

«یعنی قرآن کریم کتابی آسمانی است که حقانیت کتاب های آسمانی پیشین را تصدیق می کند و نسبت به آن ها مهیمن و مراقب است، و کاستی های آن ها را جبران می کند. آن کتاب ها نسبت به زمان خود کامل ترین آیین هدایت بودند، و اما نسبت به زمان حاضر و قرن های آینده تا پایان جهان، به کتاب آسمانی کامل تری نیاز است که گذشت زمان بر آن تاثیر نگذارد و همه قواعد و اصول هدایت بشر را در برداشته باشد».

بر این اساس، قرآن کریم که خوشبختانه از تحریف لفظی (اعم از کاهش و افزایش) مصون مانده است، استوارترین منشور الهی برای تبیین حقوق بشر و تکالیف و مسئولیت

های او است. و جای تأسف است که تدوین کنندگان اعلامیه های حقوق بشر در جهان غرب از این سرچشمه زلال هدایت بهره نگرفته و به تفکر، اندیشه و دانش محدود بشری بسنده کرده اند. با آن که برتری قوانین اسلامی در عرصه حقوق و مسئولیت های بشری نسبت به قوانین بشری که در جهان غرب تدوین گردیده است، مورد توجه عده ای از متفکران و حقوق دانان منصف غربی بوده است. یکی از این متفکران «مارسل بوازار» است که در کتاب «اسلام و حقوق بشر» این حقیقت را با تاکید و شهادت تحسین برانگیزی بیان کرده است.

در بین خود حقوق دانان غربی در خصوص مفهوم «حقوق بشر» اختلاف نظر است. آیا اصلاً منظور از حقوق در اینجا اعطای امتیاز به یک فرد در برابر تکالیفی که بر عهده دارد است و دولت به عنوان مقام اعطاکننده، حق دخل و تصرف و محدود کردن آن ها را دارد؟ یا به معنای مصونیت یا امتیاز انجام برخی کارها و یا قدرت بر ایجاد یک رابطه حقوقی است که اگر دولت ها از آن تخلف کنند، از افراد ذی حق علیه دولت ها حمایت می شود؟ بنابراین، ارائه یک تعریف مشکل است. البته مقصود از «حقوق بشر» به معنای حقوقی است که افراد بشر دارند، بلکه به معنای آن حقوقی است که انسان ها به دلیل این که انسان هستند از آن برخوردارند یعنی برای برخورداری از آن حقوق، صرف انسان بودن کافی است، فارغ از شرایط مختلف اجتماعی و نیز سطح استحقاق آن ها» اما تعیین آن به وسیله افراد یا دولت ها، ارتباط وثیقی با نگرش ها و رویکردهای آنان از بشر دارد. و اینجاست که این سؤال منطقی مطرح می شود که: مقصود از «بشر» در این اعلامیه چیست؟ «آیا این همان انسانی است که پیامبران آن را برای ما توصیف نموده و گفته اند انسان موجودی است دارای شرف و حیثیت و کرامت ذاتی که با حکمت بالغه خداوندی به وجود آمده و رهسپار یک هدف اعلایی است که با مسابقه در خیر و کمال به آن هدف خواهد رسید، مگر اینکه خود انسان این ارزش را از خود منتفی سازد و هر کس به این انسان اهانت کند و حقوق او را نادیده بگیرد با مشیت خداوندی در مقام مبارزه برآمده است، یا این همان انسانی است که امثال توماس هابز و ماکیاولی او را برای ما تعریف نموده اند که انسان گرگ انسان است و هیچ حقیقت ارزشی در وجود انسانی واقعیت ندارد؟»، «حقوق جهانی بشر از دیدگاه غرب موضوع فضیلت و کرامت ارزشی را برای انسان ها نادیده گرفته است در هیچ یک از مواد این حقوق، امتیازی برای انسان های با فضیلت و با تقوا و با کرامت مطرح نشده است». بلکه بر اساس تلاش هایی که در

کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی به عمل آورده، با یک نگرشی سکولاریستی، انسان را از حوزه ارزش‌ها جدا کرده است. و واضح است که اسلام به طور کلی با سکولاریسم، هم در تفسیر انسان و هم در تفسیر عالم هستی و... ناسازگار است.

و بر همین اساس است که بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، که متأثر از تفکر لیبرالیستی است، تنها عامل محدودیت حقوق و آزادی‌های افراد را، مزاحمت با حقوق و آزادی‌های دیگران و مقتضیات اخلاقی جامعه دموکراتیک می‌داند. چه اینکه بر مبنای «خویش‌تن مالکی» لیبرالیستی، زندگی هر فردی، دارایی خود اوست و به خداوند، جامعه یا دولت تعلق ندارد و می‌تواند با آن هر طور که مایل است رفتار کند» و لذا به گفته «هابز» هیچ‌کس حق محدود کردن آزادی انسان را ندارد و بر مبنای «عقل مداری» لیبرالیستی، مسیر حرکت انسان را امیال او مشخص می‌کند و وجود شکاف بین امیال و آرزوهای واقعی مردم با امیال بیان شده آن‌ها پذیرفتنی نیست. و بر همین اساس است که: اولاً افکار مذهبی مانند حجاب، ممنوعیت سقط جنین، محدودیت‌های روابط جنسی و احکام مربوط به خانواده و اخلاق و ارزش‌های دینی را مصداق ستم به زنان معرفی نموده، در راستای محو آن فعالیت می‌کنند. برای مثال، در «کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان»، هر گونه قیدی در روابط بین زن و مرد، با عنوان «تبعیض علیه زنان» محکوم شده است. ثانیاً، ازدواج با همجنس در برخی کشورهای غربی همچون نروژ، سوئد و هلند جنبه رسمی پیدا کرده است، به گونه‌ای که از سوی جوامع غربی تلاش می‌شود رفتار همجنس‌بازی را علمی جلوه دهند. در کنفرانس پکن به دنبال مشروعیت جهانی بخشیدن به همجنس‌بازی و ابتدال اخلاقی و فرهنگی، خواستار نفی هر گونه تبعیض علیه گرایش همجنس‌بازی بودند. ترویج جهانگردی سکس به عنوان یک استراتژی توسعه در همین راستا می‌باشد. این گونه است که تفکر سکولاریستی انواع فساد و فحشا را تجویز می‌کند و ارزش‌های دینی را حذف می‌کند. و بدین‌سان است که با تنزل مقام شامخ انسانیت، که در معارف دینی به خلافت الهی تعبیر شده، گرچه آزادی برای وی قائلند، اما آزادی‌های مدنظر آنان بیش‌تر در آزادی تن و شهوت خلاصه می‌شود. به عبارت دیگر، حقوق بشر غربی به کرامت ذاتی بشر بسنده نموده و از حیثیت بالاتر، یعنی کرامت ارزشی، تغافل نموده است. در حالی که اساسی‌ترین حقوق انسان آن است که «بشر» را در حوزه ارزش‌ها تفسیر کنیم. و از دیدگاه اسلام این امتیاز (کرامت ارزشی) برای نیل انسان به موقعیت‌های شایسته زندگی اجتماعی ضروری است. این موضوع منشأ بسیاری از

تفاوت‌ها در ماهیت و مصادیق حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب- که ریشه اعلامیه جهانی حقوق بشر در اوست- می‌باشد و در بحث ما نیز بسیار مؤثر است که مداخله بشر دوستانه در حمایت از چه حقوقی می‌خواهد صورت گیرد؟

البته مقصود ما هرگز این نیست که «انسان» به صرف «انسان بودن» و فارغ از هر حیثیت دینی، نژادی، جنسیتی و غیره، حقوقی ندارد و از این نظر وحدت ماهوی حقوق بشر در هر دو نظام حقوقی مورد تایید است زیرا همان‌طور که استاد شهید آیت الله مطهری فرمودند: «از دیدگاه اسلام، حتی برای بدترین مجرمین نیز حقوقی در نظر گرفته شده، کسی نمی‌تواند آن حقوق را نادیده بگیرد. در منطق اسلام اگر کسی هزاران نفر را کشته باشد و مجازات صدبار اعدام هم برای او کم باشد، باز هم حقوقی دارد که آن‌ها باید رعایت شوند»، لکن سخن در کلیت این حقوق است. به همین جهت حتی تلاش بسیاری از دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس سانفرانسیسکو (برای تدوین منشور ملل متحد) که به منظور روشن شدن ماهیت حقوق بشر و نحوه حمایت از آن پیشنهادهایی ارائه نمودند، هیچ یک به تصویب نرسید.

همان‌طور که هنری استینز و فیلیپ آلتون می‌گویند: علی‌رغم پذیرش گسترده اصول حقوق بشر در تدابیر و طرح‌های ملی و بین‌المللی، توافق کاملی درباره ماهیت چنین حقوقی و گستره اساسی آن (یعنی تعریف حقوق بشر) و مبنای اعتبار آن وجود ندارد. حاصل آن که همان‌طور که علامه جعفری می‌فرماید: «نظام حقوقی اسلام و غربی در کلیت اصول سیاسی حقوق بشر (یعنی: حق حیات شایسته، حق آزادی، حق امنیت، ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت مجازات و هرگونه رفتار ظالمانه، و ممنوعیت رفتار بر خلاف شئون انسانیت مشترک هستند)»، اما به دلایلی که برشمردیم، در برخی از مصادیق و بیش‌تر از آن در گستره و دامنه این حقوق تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد.

بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، تاکنون نیز ایران استقلال یافته از سلطه‌ی آمریکا، با در پیش گرفتن جهت‌گیری اعتراضی «نه شرقی نه غربی» در سیاست خارجی خود، ضمن دست رد زدن بر خوی مداخله‌گری ایالات متحده، بر رویه‌ی استقلال طلبی خود عمل و پافشاری کرده است.

از صبحگاه پیروزی انقلاب تاکنون، تلاقی و اصطکاک استقلال طلبی جمهوری اسلامی و مداخله‌گری آمریکا، اقدام‌های خصمانه‌ی واشنگتن را علیه تهران برانگیخته است. برقراری روابط پنهانی با لیبرال‌های نهضت آزادی در دولت موقت «مهدی بازرگان» به



منظور انحراف مسیر انقلاب و حذف انقلابیون مذهبی از صحنه، محاصره‌ی اقتصادی و توقیف دارایی‌های ایران، خلق ماجرای ناکام «صحرای طیس»، طراحی و اجرای «کودتای نوژه»، صدور فرمان پنهان به صدام برای آغاز «تهاجم علیه ایران»، شدت بخشیدن به حربه‌ی «ترور»، بهره‌گیری از تاکتیک فشار و دیپلماسی در جریان «ایران گیت» از سوی مک‌فارلین، فشار مطلق و دخالت مستقیم در شامگاه جنگ و اجرای سیاست «مهار دوگانه»، عمده‌ترین اقدام‌های خصمانه‌ای است که از سوی دست‌اندرکاران سیاست خارجی آمریکا در دو دهه‌ی گذشته، به‌طور مستقیم و آشکار، برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، طرح ریزی و اجرا گردیده، اما به‌رغم تحمیل آثار زیان‌بار فراوان بر ایران، با ناکامی مواجه شده است.

مسئله حقوق بشر در کنار «حمایت از تروریسم» و «انرژی هسته‌ای» از جمله اهرم‌های فشار آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است. غربیان تلاش می‌کنند که تفسیر مورد قبول خود از حقوق بشر را در همه جا حاکم کنند. این در حالی است که بدترین جنایات علیه بشریت و زشت‌ترین نقض حقوق بشر در غرب و آمریکا صورت می‌گیرد. تأسیس زندان‌های غیرقانونی گوانتانامو و ابوغریب از نمونه‌های فضاقت‌بار حقوق بشر آمریکای است.

جمهوری اسلامی در مسئله حقوق بشر مدعی است و این دولت‌های غربی به ویژه آمریکا و انگلیس هستند که باید به عنوان متهم ردیف اول نقض حقوق بشر باخواست بین‌المللی شوند.